



«این سند ۲۰۳۰ سازمان ملل و یونسکو و این حرف‌ها، اینها چیزهایی نیست که جمهوری اسلامی بتواند شانه‌اش را زیر بار اینها بدهد و تسلیم اینها بشود. به چه مناسبت یک مجموعه به‌اصطلاح بین‌المللی‌ای – که قطعاً تحت نفوذ قدرت‌های بزرگ دنیا نیست – این حق را داشته باشد که برای کشورهای مختلف، برای ملت‌های گوناگون، با تمدن‌های مختلف، با سوابق تاریخی و فرهنگی گوناگون، تکلیف معین کند که شما باید این‌جوری عمل کنید؟ اصل کار، غلط است. ۱۷ اردیبهشت ۱۹۶۴»، همان انگیزه‌هایی که به کشورهای اسلامی فشار می‌آوردند تا موضوعات جهاد و شهادت را از کتاب‌های درسی حذف کنند، در داخل نیز استمرار پیدا می‌کنند و خود را به‌صورت خرده‌سیاست‌های فرهنگی نشان می‌دهند۳۱ خرداد ۱۹۶۴». ۱۷ اردیبهشت سال گذشته، رهبر انقلاب در دیدار معلمان با اشاره به اینکه ما برای تربیت نسل آینده با حریفی به نام «نظام سلطه بین‌المللی» مواجه هستیم، فرمودند: «ممکن است برخی تعجب کنند که چه ارتباطی میان آموزش و پرورش و «نظام سلطه بین‌المللی» وجود دارد، در حالی‌که واقعیت این است که نظام سلطه برای نسل جوان ملت‌ها بویژه ملت ایران برنامه دارد». ایشان به این موضوع هم تأکید کردند: «نظام سلطه می‌خواهد نسل آینده کشورها، نسلی باشند که فکر، فرهنگ، نگاه و سلیقه مورد نظر او را در مسائل جهانی داشته باشند و در نهایت نخبان، سیاستمداران و افراد تأثیرگذار همان‌گونه فکر و عمل کنند که او تمایل دارد». به همین دلیل، رهبر انقلاب موضوع آموزش و پرورش را طبق تصریح قانون اساسی، موضوع **جهانی** بیان فرمودند.

- بروزهای حکمتی**

سند موسوم به ۲۰۳۰ سازمان یونسکو را می‌توان

سعید ساسانیان: هرقد که زمان می‌گذرد گام‌های راهبردی ارتش سوریه و متحدانش، هوشمندانه‌تر می‌شود. این امر را می‌توان در انتخا‏ض راهبردهای

کارآمدی چون مصالحه (محاصره یک منطقه و سپس مذاکره برای انتقال ترویرستی‌ها در نهایت آزادسازی منطقه) و هوشمندی در انتخاب و تخلی‏ط مناطق هدف برای عملیات آزادسازی مشاهده کرد. عملیات در بخش شرقی شهر حلب و شرق استان حلب، در قاپون در غوطه شرقی دمشق و در ریف شرقی سویدا – و برخی از این انتخاب‌های مهم و دقیق بوده‌است. یکی از چنین انتخاب‌هایی که البته با توجه به بحالی میدانی عراق (منطقه) و هوشمندی در تخلی‏ط این مناطق مرزی سوریه و عراق است. این امر می‌تواند منافع هر دو کشور را در مبارزه با تروریسم و ایمن‌سازی مرزها، برآورده کرده و علاوه بر آن، در حفظ وحدت و اتصال جغرافیایی محور مقاومت نیز موثر واقع شود. در این مقاله سعی می‌شود به ابعاد مختلف این تلاش راهبردی و همچنین حساسیت بازیگران خارجی نسبت به آن پرداخته شود.

- شرح رویداد**

اواخر اردیبهشت ۹۶جنگنده‌های آمریکایی توانستند یک کاروان از ارتش سوریه را که شامل ۴ تانک، ۴ خودروی نظامی حامل نیروهای ارتش، ۴ خودروی زرهی و ۴ خودروی حامل اسلحه سنگین بود از حرکت بازدارند. در این حمله، ۶ نفر از ارتش سوریه شهید و چند دستگاه زرهی نیز منهدم شدند. این کاروان تلاش می‌کرد از «سبع بیار» در شرق دمشق و جنوب غربی تدمر، به سوی گذرگاه مرزی ال‏تنف (Altanf) در مرز سوریه و عراق و نزدیک به مرز اردن پیش‌روی کند. گذرگاه التنف طی ماه‌های اخیر از سوی نیروهای ویژه آمریکایی، انگلیسی و نروژی اشغال شده است. گروه تروریستی که اکنون در التنف حضور دارد تا منافع آمریکا را تأمین کند «جیش مغاوی‏ر الثوره» است. نام سابق این گروه «جیش سو‏ریا الجدید» بوده است. این گروه چندی قبل هم تلاش کرد شهر مرزی ابوکمال در مرز سوریه با عراق را که اکنون در تصرف داعش است، به اشغال خود درآورد که البته با شکست از سوی داعش مواجه شد.

- دلایل اهمیت مناطق مرزی جنوب سوریه**

اکنون نبردی جدی میان آمریکا و گروه‌های تحت هدایتش با ارتش سوریه و متحدانش بر سر اینکه چه کسی در مناطق مرزی جنوب سوریه مسلط باشد، شکل گرفته است. آنچه در التنف رخ داد، بیاتگر اهمیت بالای این مناطق در طراحی‌های راهبردی ایالات متحده آمریکا برای آینده سوریه و سیاست مهار و محدودسازی محور مقاومت بویژه ایران است، به نظر می‌رسد هر قدر

نظیر مجمع تشخیص مصلحت و شوراییالی امنیت ملی از پذیرفتن این سند بی‌اطلاع بوده‌اند.

- تصویب و اجرای پنهان**

در جلسه مورخ ۲۵ شهریور ۹۵ هیات دولت، اجرای سند ۲۰۳۰ با تشکیل کار گروهی، الزامی می‌شود. این کار گروه موظف می‌شود برنامه‌های اجرایی این سند را به سایر دستگاه‌های مربوط ابلاغ کند و بر اجرای آن نظارت داشته باشد. نخستین واکنش رسمی به این مصوبه هیات دولت، ۴ ماه پس از اجرایی شدن آن صورت می‌گیرد، زمانی که ستاد نقشه جامع علمی کشور در جلسه هشتاد و هشتم خود، با گلایه از عدم اطلاع‌رسانی دولت به شوراییالی انقلاب فرهنگی، نگرانی خود را از تصویب و اجرای این سند اعلام می‌کند. با ادامه یافتن اجرای این سند و عدم پاسخگویی مسؤولان مربوط، این نگرانی به صحن عمومی شوراییالی انقلاب فرهنگی در جلسه ۹۵/۱۱/۱۹ سرایت کرد و در حضور رئیس‌جمهور و وزرای مربوط، نگرانی از تصویب و اجرای سند ۲۰۳۰ با صحبت چند تن از اعضای شورا به ریاست‌جمهوری منتقل شد. در حالی که انتظار عمومی اعضای شورا این بود که با انتقال این دغدغه، روند رای‌گیری و در دستورکار قرار گرفتن متوقف و اصلاح سند ۲۰۳۰ آغاز شود اما رئیس‌جمهور این مساله را به جلسه بعدی موکول می‌کند. جلسه‌ای که تا امروز تشکیل نشده است، پس از این انتقال، موضوع سند ۲۰۳۰ با حضور مدیرکل کمیسیون ملی یونسکو در دستور کار ستاد نقشه جامع علمی کشور قرار می‌گیرد. محورها‏ی این جلسه بدین شرح است:

– عدم مشارکت و اطلاع‌رسانی به شوراییالی انقلاب فرهنگی مورد انتقاد است.
– اسناد آموزشی بالادستی نظام، اسنادی مترقی است که کشور را بی‌نیاز از اسناد ابلاغی از سایر جوامع بیگانه می‌کند.
– روند ابلاغ و ترجمه این سند متوقف شود، تا از تداخل و تعارض در نظام آموزشی کشور جلوگیری شود.

– در بسیاری از جملات بیانیه اینچئون عبارت‏ی وجود دارد که نشانگر التزام او بودن بندهایی از این بیانیه می‌شود.

– سکولار بودن و ترویج بی‌دینی، آموزش معلمان به شیوه غربی، اختلاط جنسی، حذف آیات جهاد و ممنوعیت ترویج فرهنگ ایثار و شهادت و… از جمله

گزارشی از روند تصویب و ماهیت سند ۲۰۳۰

سند ۲۰۳۰ کجا را نشانه گرفته است؟

- علیرضا خورشند**

موارد اختلافی و متضادی است که این سند با فرهنگ اسلامی- ایرانی دارد.

– پذیرش نقش راهبر‏ی، نظارت و گزارش‌دهی به یونسکو محکوم می‌شود.

در حقیقت با پذیرش این سند علاوه بر تغییراتی که در نظام آموزشی کشور پدید می‌آید، این تعهد به وجود می‌آید که مهم‌ترین آمارها و اطلاعات که مربوط به نسل جوان و نوجوان کشور است به صورت گزارش‌های مداوم به نهادهای بیگانه اعلام شود. در پایان این جلسه که با حضور مدیرکل کمیسیون ملی یونسکو بر گزار شد، مقرر شد اجرای این سند سریعاً متوقف شود. به‌رغم این مصوبه بازم دولت اجرای این سند را متوقف نمی‌کند و ماه‌های آینده هم اجرای آن ادامه می‌یابد تا زمانی که رهبر حکیم انقلاب در دیدار معلمان، شخصاً به روند اجرای سند ورود می‌کنند و می‌فرمایند: «این سند ۲۰۳۰ سازمان ملل و یونسکو و ایسن حرف‌ها، اینها چیزهایی نیست که جمهوری اسلامی بتواند شانه‌اش را زیر بار اینها بدهد و تسلیم اینها بشود. به چه مناسبت یک مجموعه به‌اصطلاح بین‌المللی‌ای- که قطعاً تحت نفوذ قدرت‌های بزرگ دنیاست- این حق را داشته باشد که برای کشورهای مختلف، برای ملت‌های گوناگون، با تمدن‌های مختلف، با سوابق تاریخی و فرهنگی گوناگون، تکلیف معین کند که شما باید این‌جوری عمل کنید؟ اصل کار، غلط است. اگر چنانچه با اصل کار شما نمی‌توانید مخالفت بکنید، حداقلش این است که بایستید، بگویید جمهوری اسلامی خودش متشکی از خطا‏وریط دارد، ما سنندهای بالادستی داریم، ما می‌دانیم باید در زمینه‌های آموزش، پرورش، اخلاق، سبک زندگی چه کار کنیم، احتیاج به این سند وجود ندارد. اینکه ما برویم سند را امضا کنیم و بعد هم بیاییم شروع کنیم بی‌روصدا اجرایی کردن، نخیر! این اصلاً مطلقاً مجاز نیست.»

– روند ابلاغ و ترجمه این سند متوقف شود، تا از تداخل و تعارض در نظام آموزشی کشور جلوگیری شود.
– در بسیاری از جملات بیانیه اینچئون عبارت‏ی وجود دارد که نشانگر التزام او بودن بندهایی از این بیانیه می‌شود.
– سکولار بودن و ترویج بی‌دینی، آموزش معلمان به شیوه غربی، اختلاط جنسی، حذف آیات جهاد و ممنوعیت ترویج فرهنگ ایثار و شهادت و… از جمله

آمریکا و نبرد بر سر مرزهای عراق و سوریه

ارتش سوریه و متحدانش بر آزادسازی این مناطق اصرار ورزند، آمریکا نیز در حفظ این مناطق خواهد کوشید و همین امر می‌تواند از روزهای پرتنش‌تری خیر دهد. اینکه گروه تروریستی مغاوی‏ر الثوره اعلام کرده است در آینده نزدیک، مجدداً برای تصرف شهر مرزی ابوکمال اقدام خواهد کرد، بیاتگر سیاست دفاعی-

۳- دسترسی زمینی ایران به دمشق می‌تواند قدرت مانور میدانی و قدرت چانه‌زنی سیاسی محور مقاومت و بویژه تهران را افزایش داده و شرایط را برای طرف مقابل دشوار کند لذا ایالات متحده آمریکا و متحدانش سعی خواهند کرد به‌گونه‌ای عمل کنند که این مهم به‌هیچ‌وجه محقق نشود. اقدام به‌ظاهر قاطع آمریکا در حمله به کاروان ارتش سوریه (که البته با واکنش ارتش سوریه هم همراه شد) و سپس اعلامیه‌های هشدار به آنها مبنی بر حمایت قاطع آمریکا قرار بگیرد، می‌تواند مقابل دشوار کند لذا ایالات متحده آمریکا و متحدانش سعی خواهند کرد به‌گونه‌ای عمل کنند که این مهم به‌هیچ‌وجه محقق نشود. اقدام به‌ظاهر قاطع آمریکا در ارتباط میدانی عراق و سوریه را تنظیم کند. در صورت تحقق چنین برنامه‌ای، محور مقاومت از منظر جغرافیایی به ۲ نیم تقسیم خواهد شد.

۴- اگر آنگونه که گروه تروریستی مغاوی‏ر الثوره گفته است، در آینده نزدیک شهر مرزی ابوکمال مورد هجوم این گروه مورد حمایت قاطع آمریکا قرار بگیرد، می‌تواند اینگونه نتیجه گرفت که آمریکا نه‌تنها در پی حفظ التنف است که حتی خواهد کوشید دیگر گذرگاه مرزی سوریه یعنی ابوکمال را نیز به تصرف خود درآورد تا بتواند ارتباط میدانی عراق و سوریه را تنظیم کند. در صورت تحقق چنین برنامه‌ای، محور مقاومت از منظر جغرافیایی به ۲ نیم تقسیم خواهد شد.

۵- آزادسازی التنف در حالی که آخرین نقاط شهر الرطبه در غرب الانبار عراق هم پاکستانی شده باشد، می‌تواند موجب هم‌افزایی عراق و سوریه در مبارزه با تروریسم شود. اکنون برخلاف سال‌های قبل از بحران سوریه و حتی برخلاف برخی تنش‌های نه‌چندان مهم میان بغداد و دمشق در همین سال‌های بحرانی، روابط ۲ کشور با محوریت مبارزه با تروریسم در بالاترین سطوح تحکیم یافته است. ارتش عراق چندی قبل با مجوز دولت بنشار اسد، نخستین عملیات برون‌مرزی‌اش را در شهر مرزی ابوکمال سوریه انجام داد. ۲ کشور به این جمع‌بندی دقیق و صحیح رسیده‌اند که بدون همکاری در سطوح راهبردی و راه‌کنشی تاکتیکی، امکان مبارزه موثر با داعش در مناطق مرزی‌شان را دارا نیستند. به همین دلیل، اراده پاکسازی مناطق مرزی در

مخالفت با سند ۲۰۳۰ را برابری و یکسان‌سازی آموزشی و جلوگیری از رشد کیفی آموزش در سطح کشور بیان کرده‌اند، در حالی‌که ماجرا این نیست، کما اینکه در سند سیاست‌های کلی ایجاد تحول در آموزش و پرورش که رهبر انقلاب در سال ۹۲ ابلاغ کردند نیز از تقای جایگاه آموزش و پرورش به مثابه مهم‌ترین نهاد تربیت نیروی انسانی و مولد سرمایه اجتماعی در دستور کار قرار گرفته است. از آنجا که ایسن برنامه بدون در نظر گرفتن مسائل و اقتضات بومی، فرهنگی و همچنین آرمان‌های ایران اسلامی طراحی شده است، اجرا و تعهد به این سند، موجب تغییر و تعارض فرهنگی و هویتی در نسل‌های آینده می‌شود.

- آموزش بهانه است**

سند ۲۰۳۰ را می‌توان آموزش ورودی برنامه جامع سازمان ملل برای تسلط بر کشورها به بهانه موهوم توسعه پایدار دانست. این برنامه که در ادامه پروژه میلیونیم جهانی است، در چهارمین و مهم‌ترین هدف از اهداف هفده‌گانه این پروژه قرار گرفته است. در حقیقت آغاز و نقطه شروع این پروژه با تغییر نظام آموزشی کشورها صورت می‌گیرد، حال آنکه برای رسیدن به جامعه جهانی یکپارچه و مقبول قدرت‌های جهانی، تنها لازم است نسل آینده با هویت ملی و مذهبی خود بیگانه شود. در این میان نباید غافل شد که نهادها و سازمان‌های جهانی همواره در راستای هم‌افزایی اطلاعاتی و بازو‏های اجرایی ایالات متحده آمریکا و هم‌پیمانانش در سطح بین‌الملل فعالیت می‌کنند. در حقیقت این برنامه جهانی اهدافی مهم‌تر از صرف تغییر نظام آموزشی در کشور را دنبال می‌کند و آن تغییر همه‌جانبه در اقتصاد، سیاست، قوانین مدنی و سبک زندگی است، به‌گونه‌ای که در نظام مرکز- پیرامونی جامعه جهانی، ایران به کشوری پیرامونی و تابع جامعه جهانی تبدیل شود. کشوری که با قبول سرگردگی و هژمون یک دولت و فرهنگ خاص، خود را عرضه‌کننده مواد خام و تأمین‌کننده نیروی انسانی برای مناسبات جهانی بداند و حق تصمیم‌گیری در عرصه داخلی و بین‌المللی را از خود سلب کند. بیخود نیست که در این سند، از عبارت «شهروند جهانی» برای تعریف مردمان یک سرزمین استفاده شده است. موضوعی که به روز، روح و استقلال یک ملت را نیز نشانه گرفته و به خطر خواهد انداخت.

منبع: Khamenei.ir

تحقق است و دستاوردهایی در البعاج و القیروان در غرب استان نینوا به همراه داشته است. با توجه به اینکه امنیت پایدار در این مناطق بدون توجه به برخی عوامل برون‌مرزی از جمله عملکرد داعش، آمریکا و گروه‌های تروریستی تابعه آن در نقاط مرزی سوریه حاصل نخواهد شد، حشدالشعبی ناچار است با جدیت بیشتری به ورود میدانی به بحران سوریه بینددیشد. از سوی دیگر، به هر میزان که دو سوی مناطق مرزی عراق و سوریه تحت کنترل نیروهای خودی قرار گیر‏د، قدرت مانور محور مقاومت و به طور ویژه ایران در عرصه سیاسی و نظامی نیز افزایش خواهد یافت. دسترسی زمینی به دمشق و در نتیجه لبنان و سواحل مدیترانه، یکی از مهم‌ترین دستاوردهای راهبردی ناشی از پاکسازی مناطق مرزی عراق و سوریه است. قطعاً ایالات متحده آمریکا نسبت به چنین امری سکوت نخواهد کرد، چرا که منافعش به خطر افتاده بنابراین در عرصه عملیات روانی واکنش معاداری از خود بروز می‌دهد (مانند توزیع اطلاعیه‌های هشدار که بیان شد). از سوی دیگر ایران و محور مقاومت نیز با توجه به اهمیت بالای مناطق مرزی، در مقابل آمریکا سکوت نخواهند کرد لذا باید منتظر داغ‏ت شدن اوضاع مناطق مرزی عراق و سوریه بود. اینکه راهکارهای روانی، سیاسی و میدانی آمریکا برای ممانعت از پیشروی ارتش سوریه و متحدانش به‌سوی ابوکمال و التنف چه به نام «لیک با سلمان» برای آزادسازی مناطق مرزی راه‌کنشی تاکتیکی‏ا است. شواهد حاکی از آن است که واشنگتن علاوه بر تلاش جهت تحکیم تسلط خود بر التنف، تمایل دارد به سوی ابوکمال هم برود تا با شکست داعش، ۲ گذرگاه مهم مرزی سوریه و عراق را در اختیار گیرد. به نظر می‌رسد اینکه چه کسی ابتدا با داعش بر سر تسلط بر ابوکمال وارد تنش شود، می‌تواند مهم باشد. تسلط آمریکا بر ابوکمال، علاوه بر اینکه سایه تهدید را بر سر استان الانبار و شهر القام (که همچنان داعش در آن حضور دارد) حفظ خواهد کرد، مانع حضور میدانی موثر حشدالشعبی برای ورود مشروع به خاک سوریه خواهد شد. اسما در صورت آزادسازی کامل موصل و تمرکز حشدالشعبی و ارتش عراق بر آزادسازی القام، حشدالشعبی احتمالاً توان ورود به خاک سوریه برای مبارزه با داعش بر سر ابوکمال را خواهد داشت. بر این اساس، باید گفت اگر آمریکا بخواهد

با استفاده از گروه‌های تروریستی تابعه خود، داعش را در ابوکمال شکست دهد، ناچار است قبل از فراتگت کامل حشدالشعبی و ارتش عراق از آزادسازی کامل موصل و روی آوردن بر القام، دست به اقدام بزند. باید منتظر ماند و دید عملیات «محمد رسول‌الله» چنین امری در حال دسترس شدن مناطق مرزی جنوب سوریه، به نظر باید منظر سطح متفاوتی از درگیری‌ها بود. آزادسازی کامل موصل می‌تواند بخش قابل‌توجهی از تمرکز حشدالشعبی را به آزادسازی شهرهای مرزی عراق با سوریه معطوف کند کما اینکه در قالب مرحله دوم عملیات «محمد رسول‌الله» چنین امری در حال

با برجسته شدن مناطق مرزی جنوب سوریه، به نظر باید منظر سطح متفاوتی از درگیری‌ها بود. آزادسازی کامل موصل می‌تواند بخش قابل‌توجهی از تمرکز حشدالشعبی را به آزادسازی شهرهای مرزی عراق با سوریه معطوف کند کما اینکه در قالب مرحله دوم عملیات «محمد رسول‌الله» چنین امری در حال

سه‌شنبه ۱۶ خرداد ۱۳۹۶

خاطرات جبهه ۹



■ **بابا یگنارید طلبمان را وصول کنیم**

دی ماه سال ۶۵ از واحد تخریب به اتفاق بچه‌های اطلاعات و عملیات راه افتادیم. به طرف «دیانا» در استان «ربیل» عراق. پس از هفت شبانه‌روز به روستای «ملکان» رسیدیم و بخش شدیم؛ هر دو سه نفر شام را در منزل یکی از روستاییان خوردیم، البته دوستان طلبه احتیاط کردند و با ما نیامدند. کم‌کم آماده می‌شدیم برای عملیات فتح چهار ۶۵/۱۱/۲۲- منطقه عمومی رواندوز، دیانا، عمق هفتاد کیلومتری خاک عراق).

صبح زود از روستا پیاده راه افتادیم به طرف ارتفاع «کورک» که بنابه قولی، یکی از بزرگ‌ترین رادارهای خاورمیانه روی آن قرار داشت و از اهمیت راهبردی برخوردار بود. ساعت هفت غروب نماز مغرب و عشا را روی جاده آسفالت «دیانا» خواندیم و به ستون یک به سمت قله کوه که علاوه بر نیروهای یعنی، پنجاه نفر مستشار نظامی فرانسوی روی آن مستقر بودند، حرکت کردیم. ساعت سه بعد از نیمه شب عملیات آغاز شد. فرمانده «تیپ ویژه پاسداران» حاج آقا محصولی» می‌گفت: «تیب باید دل امام و ۵۰ میلیون نفر مردم کشورمان را شاد کنید. بحمدالله عملیات با موفقیت انجام شد.

نیمه اول عملیات رو به اتمام بود که دستور عقب نشینی دادند. من لیج کرده بودم و پیش خدمد می‌گفتم: بابا یگنارید کار را تمام کنید و ایسن مستشاران را به اسارت بگیریم بلکه طلبمان را از فرانسه وصول کنیم. ناگهان متوجه شدم که همه رفته‌اند. عراقی‌ها هم دارند ما را تعقیب می‌کنند. سریع بر گشتم عقب. سراسیمه بود، برف هم مزید بر علت، کش‌هایم در آمد و کنترل را از دست دادم، افتادم بر عمق پرگاه، در آن لحظه فکر کردم تیر دوشکا خورده و شهید شدم.ا. سرم را آهسته از میان برف‌ها بیرون آوردم و منتظر بودم حواللعین‌ها سرم را در دامن بگیرند ولی متأسفانه معلوم شد هنوز زنده‌ام!

- اشک حسرت**

عملیات فتح پنج ۶۶/۱/۲۱- چوار ته و ماووت در استان سلیمانیه) آغاز شده بود. بعد از ۴۸ ساعت پیاده روی و عبور از راه‌های صعب العبور، گردان به محل از پیش تعیین شده رسید. به سه گروهان تقسیم شدیم و هر کدام از یک جناح شروع به پیشروی کردیم. گروهان ما تنها گروهانی بود که از قافله عقب ماند. لحظه به لحظه بچه‌ها به دشمن نزدیک‌تر می‌شدند و آخرین گروه عمل‌کننده از نظر‌ها دور می‌شد اما گروهان ما همچنان بی‌حرکت و منتظر فرمان بود. پیج بچه‌ها شروع شد و کم‌کم اعتراض و گلایه در گرفت. تازه فهمیدم چه شده است. یکی از دوستان با صدای خفه و بغض آلود در حالی که آرام اشک می‌ریخت گفت: «جمشیدی»، ما عملیات نمی‌کنیم. من هم گریه افتادم. روز بعد از عملیات بود که یک محور فتح شده را سپردند به ما. دوباره همه جان گرفتیم و به وجد آمدیم.

- دشمنان امدادگر**

قبل از پاکسازی محوری که نگهداری‌اش را به عهده داشتیم بر اثر پرتاب نارنجک از بالای ارتفاع، مجروح شده‌ام؛ از ناحیه دست چپ، با روشن شدن هوا و به علت سنگینی آتش دشمن، از طرف فرماندهی دستور رسید که مجروحان خودشان را عقب برسانند. مهندسی- رزمی مشغول زدن جاده بود و تا به بهداری و بیمارستان برسد کار داشت. به اتفاق چند تن دیگر از زخمی‌ها از جمله معاون گروهان، برادر «محمد پالیزوان» به عقب برگشتم. چون از پشت به دشمن حمله شده بود، عراقی‌ها در مسیر حرکت ما قرار می‌کردند. او دادند و تسلیم شدند.بعد از بازرسی، مجروحان را بر گرده آنها سوار کردیم و به عقب بردیم.

- عذاب قبر**

عملیات کربلای پنج ۶۵/۱۰/۱۹- شلمچه و شرق بصره) بود و اولین بار که به جبهه می‌رفتم. شب اول تا صبح در خط دوم عملیات ماندیم. سر و صدای کاتیوشا و خمپاره و توپ یک لحظه قطع نمی‌شد. منگ شده بودم. سه شب بعد من در دوستر «نادم» به خط مقدم مأمور شدیم. ۳۰ روز در سنگری بسر بردیم که فقط به اندازه ما دو نفر جا داشت. آتش دشمن به حدی بود که به هیچ وجه نمی‌توانستیم بیرون بیاییم. از اس خمپاره روی سنگر خورده بود دچار موج‌گرفتنی شده بودیم. در این مدت یک ماه، صبح و ظهر و شب ماشین تدارکات می‌آمد و بسته غذا و دو قوطی آب معدنی می‌انداخت تاخلم سنگر و سریع می‌رفت. یک عذاب قبر به تمام معنا بود. بعد از یک ماه دو نفر آمدند و ما برگشتیم عقب. منبع: **دائرة المعارف «فرهنگ جبهه»**